



# عجایب هفتگانه

گردآوری: فهیم هنرور

کتابخانه افغانستان

KETABKHANA.COM



# عجایب هفتگانه

کتابخانه افغانستان  
KETABKHANA.COM

## عجایب هفتگانه

گردآوری: فهیم هنرور

منبع: کتابخانه افغانستان

**KetabKhana.Com**

## عجایب هفتگانه

عجایب هفتگانه جهان، شگفت ترین و بزرگترین آثار هنری معماری دوران باستان به شمار می آیند که فعلاً تنها یکی از این عجایب معماری وجود دارد و متباقی در مرور زمان از بین رفتند نخستین کسیکه در باره این شهکار های معماری تحقیق و کتابی نوشت آنتیپاتروس سویدنی است . کتاب او بهر حال نه دارای دیدگاه فلسفی بوده و نی یک کتاب هنری محسوب میشود، بلکه راهنمای ساده ای برای سفر در عهد باستان بوده است.

اگر خود به راستی به این سفر ها رفته باشد و سخن دیگران را بازگو نکرده باشد، بیشتر راههای تجارتی معروف آن زمان را دنبال میکرده. او فقط یکی از عجایب هفتگانه را در یونان یافت پیکره زئوس اثر فیدياس ، او در آسیای صغیر معبد آرمیس را ، در افسوس آرامگاه شاه موزولوس پادشاه هالیکارناس را در جزیره رودس مجسمه غول پیکر که به مجسمه هلیوس معروف بود ، در افریقا فانوس دریائی اسکندریه و هرام مصر و بلاخره در آسیا دور باغهای معلق بابل دیده است.

آنتیپاتروس در نوشتارش به ساختمانهای معروفی که در نزدیک اش بودند و یا به اصطلاح جلوی خانه اش واقع بودند مثلاً ساختمان اکروپولیس در آتن اشاره ای نکرده ، زیرا کتاب او به عنوان راهنمای سفر برای یونانیان که قصد سفر و یا برای قشر تحصیلکرده بود.

وی همچنین تنها آن عجایبی را در کتاب خود ثبت کرد هنوز در آن دوران دیده میشدند . مثلاً برج بابل، که بدون تردید یکی از عجایب آن زمان بود که دوران زندگی آنتیپاتروس در هم فرو ریخته و لذا جز مناظر دیدنی شمرده نمیشد و او نمی خواست ویرانه ها را به مردمان عصر خویش ارائه کند . چون یونانی ها عاشق هنر و زیبایی بودند و خرابه را قابل تحسین و عجیب انگیز نمی دانستند.

## هرم بزرگ جیزه



هرم بزرگ جیزه که نزدیک قاهره دیده میشود یکی از جمله عجایب هفتگانه است که تا این زمان وجود دارد و گذشت دوران و حوادث نتوانسته است خللی در ارکانش ایجاد کند. سطح قاعده هرم جیزه مربعی است که هر ضلع آن 233 متر است و این اثر معماری حیرت انگیز متکی به سطحی است که مساحتش بالغ بر 54 هزار متر مربع می باشد. بر اثر عوامل جوی تاکنون 12 متر از ارتفاعش کاسته شده است حجم این توده بزرگ و عظیم سابقاً دو میلیون و هفتصد هزار متر مکعب که شامل وزنی معادل هشت میلیون تن بود، این مقدار سنگ ثابت میکند که در مشرق رود نیل کوه هایی وجود داشته که تخته سنگهای آن را به این نقطه حمل کرده و بر روی هم قرار داده اند.

بنای عظیم روی قاعده سنگی هرم بسیار دقیق است به طوری که معماران امروز حیرانند که در آن زمان با چه وسایلی به این دقت بدون کوچک ترین اشتباهی اندازه گیری و دیزاین شده است . راهروی ورودی هرم مختصر خمیده گی دارد که مستقیم به طرف شمال میرود، اگر یک خط فرضی از انتها الیه

راهرو ادامه یابد با چند درجه اختلاف پائین تر به قطب منتهی میشود و این اختلاف به علت محور زمین است که در طول این مدت پیدا شده است. هرم مصر مقابر فراعنه می باشد .

### باغ های معلق بابل



در زمان قدیم در بابل پادشاهی بود بنام نینوس که با سمیرامیس ازدواج کرده بود . سمیرامیس از زندگی در بابل خسته شده و بابل برای او ملال انگیز گشته بود . شوهرش برای رفع اندوه او با قدرت مطلقه ای که داشت دستور ساختن بنایی را داد که در کرانه رود فرات بنا گردید.

باغهای معلقه میان خالی بود به طوری که تحمل وزن ساکنین آن را داشت و خراب نمیشد . برای آنکه به ارزش چنین بنایی پی ببریم باید توجه کرد که در آن زمان هیچ کس از طرز ساختن سقفهای ضربی اطلاعی نداشت. این خود یکی از عجایب ساختمان باغهای معلق گردید . تنها راهی که برای معماران موجود بوده ساختن ستونهای سنگی بود که قدرت تحمل بنا را داشته باشند در بنای این ستونها از تخته سنگهای سنگین و چهارگوش که هر ضلع آن پنج متر بود استفاده میکردند. در حقیقت باغهای معلق بابل بر فراز جنگلی از ستونهای مرتفع و سنگی قرار گرفته بود. مسله دیگری که در باغهای معلق بابل

فوق العاده به نظر میرسید چگونگی نفوذ ناپذیر بودن تپه ها بود که بر روی هم قرار داشتند معلوم نیست چه وسیله ای به کار می بردند که آب باران و برف از هر یک از باغها به پائین نفوذ نکند. برای آبیاری طریقه ای بکار میبردند که آب رود فرات مستقیماً به مرتفع ترین قسمت باغ جریان داشت تا بتوانند درختان و گلها را آبیاری کنند. باغهای معلق بر همه شهر مسلط بود چشم انداز زیبای داشته و از فراز آن منظر رود فرات ، شهر، سربازان و جاده ها پیدا بودند و عبور و مرور قافله که بین شرق و غرب در تردد و حمل کالای تجارتي بودند به خوبی دیده میشده . اما متسفانه از این شهکار معماری چیزی باقی نمانده است.

### معبد دیان



معبد دیان (الهه شکار و ماه) در یونان واقع شده بود . ابتدا بارگاه این الهه بسیار نکبت بار بود . این بارگاه عبارت از پیکره ای بود که داخل درخت مجوفی جای داشت ولی در قرن ششم قبل از میلاد تصمیم گرفتند معبد بسیار با شکوهی برای الهه بنا کنند . برای ساختن این معبد محل دقیقی لازم بود تا از زلزله های دائمی که در این منطقه روی میداد در امان باشد و به همین دلیل تصمیم گرفتند روی زمینی باطلاقی و نرم دست به عبارت بنا بزنند.

نخست مقداری زیادی ذغال و چوب و بوجی های پوستی در آن باطلاق ریختند تا قابلیت تحمل بنا را پیدا کند. برای مصالح ساختمانی آن، سنگ مرمر را در نظر گرفتند. این معبد در فضایی به طول یکصد و بیست و هفت متر و عرض 73 متر ساخته شد. ساختمان این محصور به 127 ستون بود که به سبک معماری یونانی در دو طبقه بالا رفته بود. ارتفاع این ستونها هر یک 19 متر که روی سرستونها تخته سنگهای مرمر چهار گوش افکنده بودند که بام معبد را تشکیل میداد. ساختمان این معبد به سال 400 قبل از میلاد پایان یافت، ولی نیم قرن بعد یعنی در سال 446 قبل از میلاد بر اثر آتش سوزی مهیبی از بین رفت و نابود شد. شاید به نظر عجیب آید که آتش چگونه توانسته است توده های حجیم و وزین سنگ مرمر را از بین ببرد، اما حقیقت امر این بود که سنگ مرمر ستون بندی داخلی معبد بود و تیغه های چوبی که اطاقها و راهرو ها را از هم جدا میساخت بکلی طعمه حریق شد و بر اثر حرارت حاصله از سوختن چوبها، سنگهای مرمر اسید کربنیک خود را از دست داده و به صورت سنگهای آهکی معمولی درآمدند و از سنگهای مرمر جز آهک چیزی باقی نماند.

وقایع شوم آتش سوزی عمدی بود و مردی جاه طلب به نام استورات چون توفیقی در بدست آوردن شهرت نیافته بود خواست از این طریق شهرتی بدست آورد و معبد دیان را طعمه حریق کرد. معبد را دو باره بنا کردند ولی به سال 362 میلادی که (گت ها) بر آسیا صغیر تسلط یافتند معبد دیان را برای دومین بار تخریب کردند. کم کم در طول زمان سنگها و سایر مصالح و تزئینات اش را ربودند و بطوری که امروزه کمترین اثری از آن باقی نمانده است.

## مجسمه زئوس



صبح اساطیر یونان باستان جایگاه زئوس در تسالی بر فراز امپ بود . زئوس آنچنان قدرتی داشت که با مختصر اخمی کوهی را متزلزل میکرد به همین جهت است که فئیدیاس مجسمه ساز مشهورف مجسمه خدای خدایان را با پیشانی ترش و در حالی که چین بر ابرو افکنده است تراشیده.

این مجسمه عظیم چهارمین عجایب سبعة دنیای قدیم بود. ارتفاع آن پانزده متر بود و نشان میداد که خدا بر تخت نشسته است. تخت الهی از عاج و آبنوس بود که طلا و جواهرات گرانبیقیمت در آن به کار گرفته شده بود . زئوس از طلا و عاج تراشیده شده بود اندامش از چوب آبنوس بود که قسمتهای عریانش از عاج نشان داده بودند تا برهنه وانمود شود، و بقیه بدنش با طلا اندود شده بود. تاجی از درخت خار که آن هم طلا خالص بود روی سر داشت. مجسمه کوچک الهه پیروزی را بدست گرفته و عصای سلطنت را در دست چپ داشت. با وجودی که اثری از این مجسمه برجای نمانده است ولی از چند سکه قدیم رومیان که بدست آمده میتوان به عظمت آن پی برد.

## مقبره موزل



در قسمت جنوب غربی آسیا صغیر، شهری بود بنام (هالی کارنارس) که در قرن ششم قبل از میلاد مسیح شاه موزول با همسرش آرمیس در آن حکومت میکردند. دربار او مرکز هنر و صنعت بود و او به معماران فرمان داد بنایی بسازند که دیدارش خاطر اهرام مصر را در دل زنده کند. بدین معنی علاوه براین که یک شاهکار هنری بوجود آورند مقبره ای هم باشد.

بدین ترتیب طرح و پایه پنجمین عجایب دنیا قدیم ریخته شد. این بنای چهار گوش در ساحه 140 متر مربع مساحت ستون بندی شده بود و سقفش هرمی شکل بود که در راس آن گادی پیروزی با چهار اسپ حامل شاه و ملکه بود. این بنا در حدود 40 یا 50 متر ارتفاع داشت و آنرا بنام مقبره موزول یاد میکردند.

مقبره موزول پس از حمله بربرها و اعراب هنوز بر جا مانده بود. ولی نجیب زادگان و سواران سن ژان آنرا به ویرانی کشیدن تا سنگهایش را برای ساختن استحکامات و برج ها به کار گیرند، بعداً در طول سالیان متمادی سنگ ها مرمر محوطه ای که بنا روی آن واقع شده بود را سوزاندند و از آن آهک ساختند. هنگامی که مشغول سوزاندن آن سنگها بودند تالار زیر زمین آنرا کشف کردند که راهروی باریکی داشت و به اطاق کوچکی منتهی میشد دراین اطاق تابوت مجلی از سنگ مرمر پیدا کردند. چون

وسایل و ابزاری برای باز کردن تابوت سنگی نداشتند این کار را به روز بعد موکول کردند اما شبانگاه دزدانی که از این کشف اطلاع پیدا کرده بودند داخل زیر زمین شده و هرچه در تابوت بود خالی کردند و بردند. امروزه از آن بنای با عظمت و شگفت انگیز به جز مختصر آثاری که ارزش زیادی ندارند چیزی باقی نمانده است.

### مجسمه رودس



در جنوب شهر هالی کارناس جزیره رودس واقع شده که ساکنین اش عموماً کشتی ران و ناخدا بودند به همین دلیل بندر رودس به سرعت رو به ترقی رفت. مردم این جزیره دارای ذوق هنری و مجسمه سازی بودند به گفته یکی از معاصرین در آن جزیره قریب 3 هزار مجسمه معمولی وجود داشته که 100 فقره آن غول پیکر آسیا بود. مشهور ترین آنها مجسمه عظیم و شگرف رب النوع خورشید به نام هلیوس بود که آن را مجسمه رودس مینامند. این مجسمه غول پیکر تقریباً 40 مت ارتفاع داشت طوری ساخته شده بود که از وسط دو پایش کشتی ها عبور و مرور میکردند. ولی متسفانه عمر این مجسمه از 56 سال تجاوز نکرد زیرا در اثر زلزله شدیدی بر زمین افتاد و ویران گردید.

میگویند پس از هجوم اعراب و فتح جزیره رودس تکه پاره های این مجسمه را به یک نفر یهودی فروختند که وی برای حمل آن تکه ها 900 شتر کرایه کرد.

## فانوس دریایی اسکندریه



هفتمین عجایب جهان باز هم در مصر بود. برجی که بر فراز آن آتشی بود تا شبها راهنمای ناخدایان برای رسیدن به بندر اسکندریه باشد. این برج در جزیره کوچک فارو بنا شده بود و از همین جاست که کلمه فار به معنای چراغ دریایی را در این نوع ساختمانها که چراغ راهنمایی برای کشتی است بکار میبرند.

برج دریایی اسکندریه در زمان سلطنت جانشین اسکندر یعنی بطلمیوس دوم 307 - 247 قبل از میلاد به وسیله معماری به نام سوسترات ساخته شد. آنچه که تاریخ در باره ارتفاع برج ذکر کرده است باور کردنی نیست. یونانی ها میگویند در حدود 272 متر ارتفاع داشته، ولی اعراب که 10 قرن بعد توانستند قدم به مصر گذارند گفته اند ارتفاع خرابه برج به 16 متر میرسد این برج روی پایه ای چهار گوش که 69 متر ارتفاع آن بوده از دیواری 8 ضلعی و 38 متری بالا رفته است که برج 9 متری دیگر روی آن بنا شده بود که بر فراز برج اخیر فانوس دریایی پرتو افکن بود. این برج تا قرن 12 راهنمایی کشتی ها بود ولی

در سال 1375 میلادی بر اثر زلزله شدیدی که در اسکندریه و سایر نقاط اطراف آن روی داد از بین رفت و چیزی هم از خرابه های آن در دست نیست.

**KetabKhana.Com**

مکان آموزش برای همه